

رابطه فشار روانی با رضامندی زناشویی در والدین کودکان عقب مانده ذهنی

نورا... دینی ترکی^۱، دکتر هادی بهرامی^۲، عباس داورمنش^۳، *اکبر بیگلریان^۴

چکیده

هدف: این تحقیق به منظور بررسی رابطه میزان فشار روانی با رضامندی زناشویی در والدین کودکان عقب مانده ذهنی آموزش پذیر انجام شد.
روش بررسی: روش پژوهش در این تحقیق مقطعی مقایسه‌ای است. نمونه‌های پژوهش شامل دو گروه ۴۰ نفری از والدین کودکان عقب مانده ذهنی آموزش پذیر (۲۰ پسر و ۲۰ دختر) و والدین کودکان عادی می باشند که به شیوه خوشه‌ای و تصادفی ساده از مناطق ۱، ۵، ۱۵ و ۱۸ آموزش و پرورش تهران برای گروه والدین کودکان عقب مانده ذهنی و هم‌تاسازی با آنها برای والدین کودکان عادی، از طریق مراجعه به مدارس وابسته به سازمان کودکان استثنایی و مدارس عادی شهر تهران انتخاب شدند. جهت انجام پژوهش، دو پرسشنامه منبع استرس و رضامندی زناشویی انریچ اجرا گردید. نتایج با استفاده از آزمونهای آماری تی مستقل، همبستگی پیرسون و آنالیز کوواریانس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: نتایج پژوهش نشان داد بین فشار روانی و رضامندی زناشویی والدین کودکان عقب مانده ذهنی آموزش پذیر رابطه معنی داری وجود دارد ($P=0/001$). همچنین والدین کودکان عقب مانده ذهنی آموزش پذیر فشار روانی بیشتری را نسبت به والدین کودکان عادی تحمل می‌کنند ($P=0/001$). در عین حال، والدین کودکان عقب مانده ذهنی آموزش پذیر نسبت به والدین کودکان عادی از رضایت زناشویی پایین تری برخوردارند ($P=0/021$).

همچنین، نتایج نشان داد که همبستگی بین دو متغیر فشار روانی و رضامندی زناشویی والدین کودکان عقب مانده ذهنی آموزش پذیر منفی است ($r=-0/57$) بدین مفهوم که با افزایش فشار روانی، رضامندی زناشویی به طور معناداری کاهش می‌یابد.

نتیجه‌گیری: نتایج این تحقیق مبین این نکته است که افزایش فشار روانی والدین، تحت تأثیر حضور کودک عقب مانده ذهنی آموزش پذیر، منجر به کاهش رضامندی زناشویی والدین شده است. بعبارتی، رضامندی زناشویی را می‌توان تابعی از وجود کودک عقب مانده ذهنی در خانواده تلقی نمود. لذا با برگزاری جلسات آموزش و مشاوره جهت والدین کودکان عقب مانده ذهنی، می‌توان راههای کاهش استرس را به آنها آموزش داد.

کلید واژه‌ها: فشار روانی / رضامندی زناشویی / والدین / عقب مانده ذهنی آموزش پذیر

- ۱- کارشناس ارشد روانشناسی کودکان استثنایی
- ۲- دکترای روانشناسی تربیتی، استاد دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی
- ۳- کارشناس ارشد روانشناسی تربیتی، مربی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی
- ۴- کارشناس ارشد آمار زیستی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

تاریخ دریافت مقاله: ۸۵/۵/۸

تاریخ پذیرش مقاله: ۸۵/۷/۱

*آدرس نویسنده مسئول:

تهران، اوین، بلوار دانشجو، بن بست کودکان، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، معاونت پژوهشی

تلفن: ۲۲۴۰۷۸۱۵

* E-mail: abiglarian@gmail.com



مقدمه

حضور کودک کم توان ذهنی با ایجاد مشکلات مراقبتی برای خانواده و به ویژه تجربیات استرس‌زا برای والدین همراه است. چنین وضعیتی مانع از آن می‌شود که خانواده بتواند کارکردهای متعارف خود نظیر تربیت فرزندان، روابط اجتماعی، اشتغال، اوقات فراغت و روابط زناشویی را به نحو مطلوبی داشته باشد (۱).

کودکان عقب‌مانده ذهنی در یادگیری موارد مورد انتظار ضعیف هستند. سعی و تلاش والدین برای آموزش مهارت‌های جدید و مهارت‌های نامناسب این کودکان معمولاً به نتیجه مطلوب نمی‌رسد، لذا پذیرش و سازگاری با این واقعیت برای والدین تلاش بیشتری را در مقایسه با کودکان عادی می‌طلبد. این تلاش مضاعف ممکن است به بروز مشکلات زناشویی یا وخیم‌تر شدن این گونه مسائل بیانجامد (۲).

امروزه خانواده‌های بسیاری از داشتن فرزند کم توان ذهنی به سبب مسائلی مانند هزینه‌های اقتصادی سنگین، اختلافها و ناسازگاری‌های زناشویی، محدودیت‌ها در روابط اجتماعی، تحمل ترحم و رفتارهای دلسوزانه دیگران، بروز ناسازگاری‌های رفتاری در سایر فرزندان و دشواری در تصمیم‌گیری برای بچه دار شدن مجدد رنج می‌برند. حضور این کودکان به سلامت و تعادل خانواده آسیب می‌رساند و خطر بروز عملکرد نادرست خانواده و والدین را افزایش می‌دهد (۳).

حضور کودک کم توان ذهنی به آسیب‌های روانی مشخص دیگری از جمله اضطراب و افسردگی نیز منجر می‌شود. لذا می‌توان سلامت روانی زوجین را تابعی از حضور کودک عقب‌مانده ذهنی در خانواده تلقی نمود (۴).

تأثیر کودکان معلول ذهنی بر نظام خانواده، سالهاست به عنوان یک معضل، توجه متخصصان را به خود جلب کرده است. در این راستا فراز و نشیب‌هایی نیز مشاهده می‌شود. در پژوهش‌های دهه ۱۹۵۰ بیشتر به تأثیر رفتار والدین بر کودک توجه داشتند، در حالی که در مطالعات دهه ۱۹۶۰، اثرات منفی کودکان بر والدین برجسته‌تر شده است. در دهه ۱۹۷۰، به تأثیرگذاری حضور کودک عقب‌مانده ذهنی بر روابط برادران و خواهران، همچنین والدین توجه شده و در این راستا اثر منفی بر روابط زناشویی والدین نیز مورد غفلت قرار نگرفته است. در سالهای اخیر دیدگاه‌های تعاملی جامع‌تری در مورد خانواده‌هایی که یکی از اعضای آنها معلول است مطرح شده است (۵).

مراقبت دائم از کودک مستلزم شکیبایی زیاد و فدا نمودن هدفهای شخصی از جانب والدین است. بسیاری از والدین کودکان عقب‌مانده ذهنی، فرزند معلول خود را نشانه‌ای از شکست خود تلقی می‌کنند. آن دسته از والدینی که انتظار دارند فرزندان آنها هدفهایی را که خود در زندگی نتوانسته‌اند به آنها برسند، برآورده سازند، با ورود کودک

عقب‌مانده ذهنی به زندگی، یأس و ناامیدی را تجربه می‌کنند و لذا به‌طور مضاعف ضربه می‌خورند (۶).

در جامعه ما اعتقاد بر این است که حمایت از نظام اجتماعی، باید حمایت از همه اعضای جامعه را در بر بگیرد. قابل ذکر است که افراد عقب‌مانده ذهنی حدود ۲/۳ درصد جامعه برآورد شده‌اند و با توجه به حضور چند نفر در خانواده هریک از آنها، درصد قابل ملاحظه‌ای از جمعیت کشور با مشکلات کودکان عقب‌مانده ذهنی درگیر بوده و لذا نباید مورد غفلت قرار گیرند (۷).

درک صحیح از مشکلات خانواده‌های کودکان کم توان ذهنی نه تنها به والدین این کودکان بلکه به افراد متخصصی که در رابطه با این گونه افراد کار می‌کنند می‌آموزد تا نگرش خود را در جهت برنامه‌ریزی آموزشی و پرورشی تغییر دهند. بعلاوه هرگونه برنامه‌ریزی در این باره بدون در نظر گرفتن خانواده و نقش مؤثر والدین، محکوم به شکست است. بنابراین، شناسایی شدت فشار روانی و ارتباط آن با نوع و چگونگی رضامندی از زندگی زناشویی والدین دارای کودک عقب‌مانده ذهنی می‌تواند اطلاعات زیر بنایی ضروری به مشاوران و روان‌شناسانی که با این گونه والدین و کودکان سروکار دارند ارائه نماید (۸).

لذا این تحقیق به بررسی رابطه بین فشار روانی و رضامندی زناشویی در والدین این کودکان می‌پردازد که آگاهی از آن، اطلاعات مفیدی را برای پیشبرد بهتر جلسات مشاوره با والدین کودکان استثنایی ارائه خواهد کرد.

روش بررسی

به منظور انجام این تحقیق که به روش مقطعی مقایسه‌ای می‌باشد از والدین کودکان عقب‌مانده ذهنی آموزش‌پذیر و والدین کودکان عادی استفاده شد. یعنی، جامعه آماری مورد نظر کلیه والدین کودکان عقب‌مانده ذهنی آموزش‌پذیر مشغول به تحصیل در مدارس ابتدایی وابسته به سازمان کودکان استثنایی وزارت آموزش و پرورش شهر تهران و کلیه والدین کودکان عادی مشغول به تحصیل در مدارس عادی شهر تهران در سال تحصیلی ۸۵-۱۳۸۴ بودند.

افراد نمونه پژوهش به صورت خوشه‌ای و تصادفی ساده از مناطق ۱، ۵، ۱۵ و ۱۸ آموزش و پرورش انتخاب شدند. پس از انجام یک مطالعه مقدماتی مقدار انحراف معیار برآورد شده برابر ۱۳/۵ بدست آمد و با در نظر گرفتن $\alpha = 0/05$ و توان آزمون $0/80$ حجم نمونه لازم برای هر گروه برابر ۴۰ نفر محاسبه شد. بنابراین، ۴۰ والد کودک عقب‌مانده ذهنی آموزش‌پذیر (۲۰ پسر و ۲۰ دختر مشغول به تحصیل در مدارس ابتدایی وابسته به سازمان کودکان استثنایی شهر تهران) و ۴۰ والد کودک عادی (۲۰ پسر و ۲۰ دختر مشغول به تحصیل در مدارس ابتدایی شهر تهران) انتخاب شدند.



یافته‌ها

در پرسشنامه رضامندی زناشویی، نمره کم برای والدین نشانگر نارضایتی زناشویی و در پرسشنامه منبع استرس، نمره بالا برای والدین بیانگر فشار روانی است.

جدول ۱- وضعیت رضامندی زناشویی والدین کودکان عقب‌مانده ذهنی و والدین کودکان عادی				
گروه‌های نمونه				
وضعیت رضایت والدین	والدین کودکان عقب‌مانده ذهنی	والدین کودکان عادی	گروه‌های نمونه	
			درصد	فراوانی
نارضایتی شدید	۷	۸/۸	۱	۱/۲
نارضایتی کم	۱۲	۱۵	۷	۸/۸
رضایت نسبی	۵۵	۶۸/۷	۶۱	۷۶/۲
رضایت زیاد	۶	۷/۵	۱۱	۱۳/۸
رضایت فوق العاده	۰	۰	۰	۰
کل	۸۰	۱۰۰	۸۰	۱۰۰

همانطوری که در جدول ۱ ملاحظه می‌شود ۸/۸ درصد والدین کودکان عقب‌مانده ذهنی در مقایسه با ۱/۲ درصد والدین کودکان عادی از زندگی زناشویی نارضایتی شدید داشته‌اند. هیچ یک از گروه‌ها رضایت فوق‌العاده نداشته‌اند. چنانچه اعداد فوق با هم ادغام شوند، ملاحظه می‌شود که ۷۶/۲ درصد والدین کودکان عقب‌مانده ذهنی از زندگی زناشویی شان رضایت دارند و ۲۳/۸ درصد از آنها از زندگی زناشویی ناراضی هستند. همچنین ۹۰ درصد والدین کودکان عادی از زندگی زناشویی راضی و ۱۰ درصد آنها از زندگی زناشویی ناراضی هستند.

جدول ۲- وضعیت رضامندی زناشویی پدران و مادران کودکان عقب‌مانده ذهنی				
گروه‌های نمونه				
وضعیت رضایت والدین	پدران کودکان عقب‌مانده ذهنی	مادران کودکان عقب‌مانده ذهنی	گروه‌های نمونه	
			درصد	فراوانی
نارضایتی شدید	۲	۵	۵	۱۲/۵
نارضایتی کم	۷	۱۷/۵	۵	۱۲/۵
رضایت نسبی	۲۸	۷۰	۲۷	۶۷/۵
رضایت زیاد	۳	۷/۵	۳	۷/۵
رضایت فوق العاده	۰	۰	۰	۰
کل	۴۰	۱۰۰	۴۰	۱۰۰

برای جمع‌آوری اطلاعات از دو پرسشنامه منبع استرس QRS-F^۱ و رضامندی زناشویی Enrich استفاده شد.

فرم ۵۲ سئوالی منبع استرس فردریک ۱۹۸۳، از فرم اصلاح شده هولروید ۱۹۷۴ تهیه شده است (۹).

این پرسشنامه یک ابزار روان‌سنجی مهم در زمینه فشار روانی والدین معلول می‌باشد (۱۰). پایایی این آزمون را فردریک ۰/۹۳ گزارش کرده است. در ایران این پرسشنامه بوسیله حسین نژاد هنجاریایی شده و روایی و پایایی آن مورد تأیید قرار گرفته و برای مقیاس‌های فرعی ۱ تا ۴ بترتیب ضرایب همبستگی ۰/۶۹، ۰/۷۹، ۰/۸۵ و ۰/۷۵ بدست آمده است (۱۱). پرسشنامه رضایت زناشویی از ۱۱۵ سئوال بسته و ۱۲ خرده‌مقیاس تشکیل شده است. پاسخ به سئوال‌ها بصورت ۵ گزینه‌ای (کاملاً موافقم - موافقم - نه موافق نه مخالف - مخالف - کاملاً مخالفم) است. اولسون و همکاران (۱۹۸۹) پایایی این پرسشنامه را با روش ضریب آلفا ۰/۹۲ گزارش کرده‌اند (۱۲).

ضریب آلفای فرم ۴۷ سئوالی پرسشنامه در پژوهش سلیمانیان ۰/۹۵ بدست آمده است (۱۳).

در عین حال، ضریب همبستگی «پرسشنامه انریچ» با مقیاس‌های رضایت خانوادگی از ۰/۴۱ تا ۰/۶۰ و با مقیاس‌های رضایت زندگی از ۰/۳۲ تا ۰/۴۱ است که نشانه روایی سازه آن است.

کلیه خرده‌مقیاس‌های «پرسشنامه انریچ» زوج‌های راضی و ناراضی را متمایز می‌کنند و این نشان می‌دهد که این پرسشنامه از روایی ملاک خوبی برخوردار است (۳).

پایایی پرسشنامه در مطالعه مقدماتی این پژوهش نیز ۰/۹۱۵ بدست آمد.

پس از انتخاب نمونه‌ها، جهت اجرای پرسشنامه‌ها، دعوت نامه‌ای برای والدین کودکان از طرف مدیر مدرسه در دو نوبت فرستاده شد و در مرحله اول از مادران دانش‌آموزان دعوت به عمل آمد تا به مدرسه بیایند و در آنجا پس از جلب اعتماد و اخذ رضایت کتبی، پرسشنامه‌ها در اختیارشان قرار داده شد تا نسبت به تکمیل آن اقدام نمایند. در مرحله دوم از پدران دعوت به عمل آمد و از آنها نیز پس از توضیح پیرامون طرح و جلب اعتماد، خواسته شد تا پرسشنامه‌ها را تکمیل نمایند.

متغیرهای مورد بررسی مطالعه یعنی فشار روانی و رضامندی زناشویی هم بصورت کیفی و رتبه‌ای و هم بصورت کمی و نمره‌ای مورد سنجش و تحلیل قرار گرفتند.

در تحلیل داده‌های پژوهش از آزمون‌های آماری تی مستقل، همبستگی پیرسون و آنالیز کوواریانس استفاده شد.

رابطه فشار روانی با رضامندی زناشویی در والدین کودکان ...

همچنین ۷۵ درصد مادران کودکان عقب مانده ذهنی از زندگی زناشویی رضایت داشته و ۲۵ درصد آنها از زندگی زناشویی رضایت ندارند. میانگین نمرات فشار روانی در گروه والدین کودکان عقب مانده ذهنی ۲۴/۹ و در گروه والدین کودکان عادی ۸/۲ می باشد. اختلاف موجود بین میانگین نمرات، از نظر آماری و در سطح $\alpha=0/05$ معنادار می باشد ($P=0/001$). این موضوع در جدول ۳ مورد مقایسه قرار گرفته است.

چنانچه در جدول ۲ ملاحظه می شود، ۵ درصد پدران کودکان عقب مانده ذهنی در مقایسه با ۱۲/۵ درصد مادران آنها، از زندگی زناشویی نارضایتی شدید داشته و هیچ یک از گروه ها رضایت فوق العاده ندارند. چنانچه اعداد فوق با هم ادغام شوند، ملاحظه می شود که ۷۷/۵ درصد پدران کودکان عقب مانده ذهنی از زندگی زناشویی شان رضایت دارند و ۲۲/۵ درصد آنها از زندگی زناشویی رضایت ندارند.

متغیر	مشخصات آماری			
	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار T
والدین کودکان عقب مانده ذهنی	۸۰	۲۴/۹	۸/۶	۱۶/۰۲
والدین کودکان عادی	۸۰	۸/۲	۳/۴	۱۵۸
				مقدار آزادی
				مقدار احتمال
				$<0/001$

گروه وجود دارد ($P=0/021$). این موضوع در جدول ۴ مورد مقایسه قرار گرفته است.

میانگین نمرات رضامندی زناشویی در گروه والدین کودکان عقب مانده ذهنی آموزش پذیر ۱۷۱/۴ و در گروه والدین کودکان عادی ۱۸۰/۶ بوده که از لحاظ آماری در سطح $\alpha=0/05$ تفاوت معناداری بین میانگین دو

متغیر	مشخصات آماری			
	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار T
والدین کودکان عقب مانده ذهنی	۸۰	۱۷۱/۴	۲۲	۲/۲۴
والدین کودکان عادی	۸۰	۱۸۰/۶	۲۷/۳	۱۵۸
				مقدار آزادی
				مقدار احتمال
				$0/021$

بعنوان کوواریت در مدل، رضامندی زناشویی والدین در دو گروه متفاوت است. بطوریکه والدین کودکان عقب مانده ذهنی آموزش پذیر، رضامندی زناشویی کمتری را تجربه می کنند.

مطابق جدول ۵ - آنالیز کوواریانس نشان می دهد که فشار روانی والدین با رضامندی زناشویی آنان رابطه معنی داری داشته و رضامندی زناشویی در دو گروه والدین متفاوت است. بعبارتی، با حضور متغیر فشار روانی

درجه آزادی	آماره آزمون F	مقدار احتمال
فشار روانی	۴۳/۱۴۶	۰/۰۰۱
گروه کودکان	۱۲/۵۵	۰/۰۰۱

تی مستقل از لحاظ آماری و در سطح $\alpha=0/05$ اختلاف معنی داری بدست نیامد ($P=0/26$).

همچنین بین میانگین نمرات فشار روانی مادران کودکان عقب مانده ذهنی آموزش پذیر (۲۵/۷) و پدران آنها (۲۳/۹)، بر اساس همین آزمون از لحاظ آماری اختلاف معنی داری وجود نداشت ($P=0/34$).

میانگین نمرات فشار روانی والدین کودکان دختر و پسر عقب مانده ذهنی آموزش پذیر به ترتیب ۲۵ و ۲۴/۶ بوده که این اختلاف بر اساس آزمون تی مستقل و در سطح $\alpha=0/05$ از لحاظ آماری معنادار نمی باشد ($P=0/87$).

همبستگی بین دو متغیر فشار روانی و رضامندی زناشویی والدین کودکان عقب مانده ذهنی آموزش پذیر برابر با $r = -0/57$ بدست آمد. این ارتباط از لحاظ آماری معنادار است ($P=0/001$).

همبستگی بین فشار روانی و رضامندی زناشویی والدین کودکان عقب مانده ذهنی و عادی برابر با $r = -0/43$ بدست آمد که از لحاظ آماری معنادار است ($P=0/001$).

بین میانگین نمرات رضامندی زناشویی مادران کودکان عقب مانده ذهنی آموزش پذیر (۱۶۸/۲) و پدران آنها (۱۷۴/۶)، بر اساس آزمون



نتیجه می‌شود که با افزایش فشار روانی، نمرات رضامندی زناشویی بطور معناداری کاهش می‌یابد. این یافته با یافته‌های محققانی چون سالیسبوری (۱۹۸۷)، دایسون (۱۹۹۱)، فلوید و زمیچ (۱۹۹۱) و مسائلی (۱۳۷۸) مطابقت دارد (۲۵، ۲۴، ۱۷، ۱۰).

همچنین مشاهده شد که دو متغیر فشار روانی و رضامندی زناشویی والدین کودکان عقب‌مانده ذهنی و عادی رابطه معناداری با یکدیگر دارند. با توجه به مقدار منفی ضریب همبستگی محاسبه شده، نتیجه می‌شود که با افزایش فشار روانی، نمرات رضامندی زناشویی بطور معناداری کاهش می‌یابد.

در عین حال، تحلیل کوواریانس نیز نشان داد که فشار روانی والدین با رضامندی زناشویی آنان رابطه معنی‌داری داشته و رضامندی زناشویی در دو گروه والدین متفاوت است. بطوریکه والدین کودکان عقب‌مانده ذهنی آموزش‌پذیر، رضامندی زناشویی کمتری را تجربه می‌کنند.

این یافته با نتیجه پژوهشهای فلوید و همکاران (۱۹۹۸)، ون‌گوتارد و همکاران (۲۰۰۲) و سربریاکوا (۱۹۹۶) مطابقت دارد (۲۷، ۲۶، ۲).

وجه شباهت تحقیقات انجام شده توسط محققان خارجی، داخلی و این تحقیق این است که در تمامی پژوهشهای مذکور، والدین کودکان عقب‌مانده ذهنی از مشکلاتی که این کودکان به دنبال دارند، مانند: هزینه‌های سنگین اقتصادی، اختلاف‌ها و ناسازگاری‌های خانوادگی و زناشویی، محدودیت‌هایی در روابط اجتماعی، تحمل دلسوزی و ترحم دیگران، بروز ناسازگاری‌های رفتاری در سایر فرزندان، دشواری در تصمیم‌گیری برای بچه دار شدن مجدد و سایر فشارهایی که بر خانواده وارد می‌شود، همواره رنج می‌برند و با مسائل و مشکلات فراوان روبرو می‌باشند. همچنین کودکان عقب‌مانده ذهنی به دلیل داشتن طیف وسیعی از مسائل از جمله اختلالات رفتاری و کندی در یادگیری سبب می‌شوند که سعی و تلاش والدین در آموزش مهارت جدید و مهارت‌های نامناسب آنها به نتیجه مطلوب نرسد، از این رو پذیرش چنین وضعیتی و کنار آمدن با آن برای والدین دشوار و استرس‌آور می‌باشد و به کاهش رضایت زناشویی والدین در زندگی منجر می‌شود. برخی از مشکلات از مسائل درون فردی والدین و برخی دیگر از ویژگی‌های کودکان عقب‌مانده ذهنی ناشی می‌شوند که در پژوهش حاضر بیشتر به بررسی تأثیر عوامل دسته دوم بر رضایت زناشویی والدین پرداخته شده است.

نتیجه‌گیری

نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که حضور کودکان عقب‌مانده ذهنی در خانواده در رضایت زناشویی والدین تأثیر منفی به جای گذارده و باعث کاهش آن می‌شود. همچنین وجود فرزند عقب‌مانده ذهنی در خانواده

براساس همین آزمون میانگین نمرات رضامندی زناشویی والدین کودکان دختر و پسر عقب‌مانده ذهنی آموزش‌پذیر به ترتیب $169/2$ و $173/6$ بدست آمد که از لحاظ آماری معنادار نمی‌باشد ($P=0/48$).

بحث

همانطور که قبلاً اشاره شد، بین میانگین نمرات فشار روانی دو گروه از والدین تفاوت معناداری وجود دارد. به عبارتی، فشار روانی والدین کودکان عقب‌مانده ذهنی بطور معناداری از فشار روانی والدین کودکان عادی بیشتر است. بنابراین می‌توان گفت وجود فرزند عقب‌مانده ذهنی در خانواده، فشار روانی بیشتری را بر والدین وارد می‌کند. این یافته با یافته‌های تونالی و پاور (۱۹۹۳)، دایسون (۱۹۹۱)، کازاک (۱۹۸۷)، برسفورد (۱۹۹۴)، سالیسبوری (۱۹۸۷) و حسین نژاد (۱۳۷۵) مطابقت دارد (۱۷-۱۴، ۱۱، ۱۰).

از سوی دیگر یافته تحقیق با یافته‌های کازاک و کریستاکیس (۱۹۹۴) ناهمخوان است. این دو بیان کرده‌اند که در زمینه فشار روانی و عملکرد روانشناختی بین خانواده‌هایی که فرزند عقب‌مانده ذهنی و معلول دارند و خانواده‌هایی که کودکان عادی دارند تفاوت معناداری دیده نشده است (۱۸). در تبیین این پدیده، باید گفت که مطالعات انجام شده بر روی فشار روانی این خانواده‌ها و یافته‌های آنها در پاره‌ای از موارد متناقض است. این تناقضات را می‌توان به متغیرهای مختلفی از جمله نوع باورداشت‌های والدین جامعه ایرانی با غربی، نوع ابزار پژوهش بکار گرفته شده از سوی آنها و نحوه کنترل متغیرها نسبت داد.

یافته دیگر پژوهش تفاوت معنی‌دار بین میانگین نمرات رضامندی زناشویی دو گروه والدین بود. به عبارتی دیگر، مقایسه میانگین رضایت زناشویی والدین دو گروه کودکان عقب‌مانده ذهنی آموزش‌پذیر و عادی حاکی از آن است که والدین کودکان عقب‌مانده ذهنی از رضایت زناشویی کمتری برخوردارند. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که وجود کودک عقب‌مانده ذهنی در خانواده در رضایت زناشویی والدین تأثیر منفی به جای می‌گذارد. این یافته، با نتیجه پژوهش‌های محققانی چون فلوید و همکاران (۱۹۹۸)، تانیلا و همکاران (۱۹۹۶)، فلاهرتی و مسترز (۲۰۰۰)، ناصر شریعتی و داورمنش (۱۳۷۵)، بارنت و بویس (۱۹۹۵)، رضانی (۱۳۸۲) و احمد پناه (۱۳۸۰) در خصوص تأثیر کودک کم توان ذهنی بر سازگاری و رضایت زناشویی والدین، مطابقت دارد (۲۳-۱۹، ۵، ۲).

یافته بعدی پژوهش اینست که بین دو متغیر فشار روانی و رضامندی زناشویی والدین کودکان عقب‌مانده ذهنی آموزش‌پذیر رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به مقدار منفی ضریب همبستگی محاسبه شده،



والدین کودکان عقب مانده ذهنی، راههای کاهش استرس را به آنها آموزش داده و در عین حال، با ایجاد تسهیلات و امکانات رفاهی، مالی و آموزشی برای اینگونه خانواده ها گامی در جهت رفع مشکلات حاصل و کاهش فشار روانی و نیز ایجاد رضامندی زناشویی برداشته شود.

بر والدین فشار روانی بیشتری را وارد می کند. در عین حال بین دو متغیر فشار روانی و رضامندی زناشویی والدین کودکان عقب مانده ذهنی رابطه معناداری وجود دارد که با افزایش فشار روانی، نمرات رضامندی زناشویی بطور معنادار کاهش می یابد.

لذا پیشنهاد می شود که با برگزاری مداوم جلسات آموزش و مشاوره جهت

منابع:

- ۱- ملک پور، م. جدیدی زاده، ن. بررسی رابطه میزان فشار روانی والدین کودکان عقب مانده ذهنی با شدت عقب ماندگی، جنسیت، سن کودک، وضعیت اقتصادی و تحصیلات والدین. مجله پژوهش های تربیتی و روان شناختی. دانشگاه اصفهان ۱۳۷۷. سال سوم. شماره یک. ۵۶-۳۷
- 2- Floyd F, Gillion LA, Costigan CL. Marriage and the Parenting Alliance: Longitudinal Prediction of change in parenting perceptions and behaviors. *Child Development* 1998; 69(5): 146-149
- ۳- مینوچین، س. خانواده و خانواده درمانی، ترجمه: ثنایی، ب. چاپ اول. ۱۳۸۰. تهران: امیرکبیر
- 4- Tamplin A, Goode M, Herbert J. Family Functioning and parent general health in families of adolescents with major depressive disorder. *Journal of Affective Disorder* 1998; 48(1): 1-13
- ۵- احمدپناه، م. تأثیر کم توانی ذهنی فرزند بر بهداشت روانی خانواده. مجله پژوهش در حیطه کودکان استثنایی، سال اول. شماره اول. ۶۸-۵۲
- ۶- سیف، س. تئوری رشد خانواده. چاپ اول. ۱۳۶۸. تهران: دانشگاه الزهراء
- ۷- سیف نراقی، م. نادری، ع. روانشناسی کودکان عقب مانده ذهنی و روش های آموزش آنها. چاپ دوم. ۱۳۸۲. تهران: سمت
- ۸- افروز، غ. مصاحبه و مشاوره با والدین کودکان استثنایی. چاپ سوم. ۱۳۷۵. تهران: انجمن اولیا و مربیان
- 9- Holryd J. The questionnaire on Resource and stress: An Instrument to Measure Family Response to a handicapped Family Member. *Journal of Community Psychology* 1974; 2: 22-94
- 10- Dyson L. Families of young children with handicaps: Parential stress and Family Functioning. *American journal on Mental Retardation* 1991; 1: 31-44
- ۱۱- حسین نژاد، م. بررسی و مقایسه میزان فشار روانی و سازگاری زناشویی والدین کودکان عقب مانده ذهنی آموزش پذیر و کودکان معلول جسمی و حرکتی با والدین کودکان عادی شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی علامه طباطبایی. ۱۳۷۵
- 12- Olson DH, Fournier D G, Druckman JM. Families. California: sage publication Inc. 1989
- ۱۳- سلیمانیان، ع. بررسی تأثیر افکار غیر منطقی بر رضامندی زناشویی دانشجویان معلم. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم تهران. ۱۳۷۳
- 14- Tunalı B, Poewr T. Creating Sotis Faction: A Psychological perspective stress and coping in Families of handicapped children. *Journal of child Psychology and Psychiatry* 1993; 34(6): 943-966
- 15- Kazak AE. Families with disabled children: stress and Social Network in Three Samples. *Journal of Abnormal child Psychology* 1987; 15: 137-146.
- 16- Bersford BA. Resourses and strategies: How Parnts cope with the care of a disabled child. *Journal of child Psychology and Psychiatry* 1994; 35(1): 171-209.
- 17- Salisbury CL. Construct Validity of the Adapted questionnaire on Resour and stress-short form. *American journal on Mental Retardation* 1987; 94(1): 74-79.
- 18- Kazak AE, Christakis DA. Caregiving issues in Families of children with chronic Medical constitions. *Family Caregiver Applications series* 1994; 4: 331-355.
- 19- Taanila A, Kokkonen J, Jaervelein MR. The Long-term effects of children early-onset disability on marital relationships. *Developmental Medicine & child Neurology* 1996; 38(7): 567-577.
- 20- Flaherty EM, Masters GL. Positive adjustment in parents rearig children with down syndrom. *Early Education & Development* 2002; 11(4): 407- 422.
- ۲۱- ناصرشریعتی، ت. داوومنش، ع. اثرات معلولیت ذهنی فرزند بر خانواده. چاپ دوم. ۱۳۷۵. تهران: سازمان بهزیستی کشور و دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- 22- Barnet WS, Boyce C. Effects of children with Down syndrome on parents activities. *Journnal of child & family studies* 1991; 4(1): 103-117.
- ۲۳- رمضانی، ف. بررسی و مقایسه رضایت زناشویی والدین کودکان کم توان ذهنی و عادی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی تهران. ۱۳۸۲.
- 24- Floyd FJ, Zmich DE. Marriage and the Parenting: perceptions and Interactions of parents with mentally retarded and typically developing children. *Child Development* 1991; 62: 1434-1448.
- ۲۵- مسائلی، م. مقایسه میزان فشار روانی و سازگاری زناشویی والدین کودکان عقب مانده ذهنی، معلول جسمی - حرکتی و والدین کودکان عادی اصفهان در گستره سنی ۱۵-۷ سال. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته روان شناسی عمومی، دانشگاه اصفهان. ۱۳۷۸
- 26- Von Gontard A, et al. Psychopathologie and Familial stress. *Journal of child Psychology and Psychiatry: Black well publi shers* 2002; 1-11.
- 27- Serebriacova T. Marital stress in mental health impairment: family study. *Europen Family* 1996; 11(4): 376-379.